

## مناسبات پژمان بختیاری با معاصران خود

نسرین نوروزی چلچِه<sup>۱</sup>

حمید رضائی<sup>۲</sup>

### چکیده

حسین پژمان‌بختیاری، شاعر، مترجم و محقق برجسته معاصر، فرزند علی‌مرادخان میرپنج و عالم‌تاج قائم‌مقامی است. پدرش از خوانین بختیاری و مادرش از نوادگان قائم‌مقام‌فراہانی بود. بیشتر شاعران، نویسندگان و ادیبان برجسته معاصر با پژمان‌بختیاری دوستی داشته‌اند، که از این دوستان می‌توان: ادیب‌نیشابوری، بهمنیار کرمانی، ملک‌الشعراى بهار، جلال‌الدین‌همایى، نیمایوشیج، وحیددستگردی و حبیب‌یغمایی را نام برد. حضور پژمان‌بختیاری در انجمن‌های ادبی، کتابخانه‌ها، دفترمجلات و همکاری با رادیو سبب آشنایی و دوستی او با دیگر ادیبان برجسته شده‌است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اشعار پژمان‌بختیاری و اسناد زندگی او پرداختیم. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که باوجود دوستان بسیار تنها شاهد نام جعفرقلی‌خان سرداراسعد، حبیب‌یغمایی، ملک‌الشعراى بهار، وحیددستگردی، رشید یاسمی، پروین‌بامداد و قمرالملوک وزیری در دیوان اشعار او هستیم با بررسی اسناد زندگی پژمان‌بختیاری نام بدیع‌الزمان فروزانفر، کریم‌امیری فیروزکوهی، مهدی‌سهیلی، سیدمحمد حسین‌شهریار، محمودفرخ، سیمین بهبهانی و جمشید امیربختیاری را می‌توان دید که مناسبات پژمان با این بزرگان را می‌توان در دو دسته خانوادگی و فرهنگی تقسیم‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی: پژمان بختیاری، معاصران، مناسبات.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [noroozin24@gmail.com](mailto:noroozin24@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشیارگروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران [H.Rezaie@pnu.ac.ir](mailto:H.Rezaie@pnu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

حسین پژمان بختیاری، شاعر، مترجم و محقق برجسته معاصر، «متولد ۱۲۷۹» (بهرامی دشتکی، ۱۳۹۴: ۲۳) حسن آباد تهران است. پدرش علی مرادخان میرپنج و مادرش عالم تاج قائم مقامی بود. علی مراد خان از خوانین بختیاری و سرداران دوره مشروطیت بود. او در جریان مشروطه به همراه خواهرزاده خود سردار اسعدبختیاری به سپاهیان مشروطه ملحق شد و در فتح تهران مشارکت نمود و مادرش عالم تاج، شاعر، متخلص به ژاله از خاندان قائم مقام فراهانی بود که البته ازدواج این دو، دوام چندانی نداشت و کمی بعد به جدایی انجامید. پژمان بختیاری خود در این باره می نویسد: «ازدواج نامناسب مادرم که هجده سال در ناز و نعمت پرورده شده و دانش بیش از زمان خود اندوخته بود با پدرم که نزدیک به پنجاه سال از عمرش در جنگ و سختی گذشته بود، دیری نپایید، به این معنی که مرا رها کرده، به خانه پدری رفت؛ بدون آنکه جدایی از شوهر را قطعی سازد» (پژمان بختیاری، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۸). از آنچه حسین پژمان بختیاری در زندگی نامه خودنوشت خویش در مقدمه دیوان و کویراندیشه نوشته است؛ می توان در مورد سختی ها و رنج های دوران کودکی، شروع آموزش خواندن و نوشتن در سه سالگی و سختی های آن، دشتک سرزمین پدری که پژمان برای مدتی آنجا زندگی کرده، تحصیل او در تهران و مدرسه سن لویی، هم درس بودنش با نیما یوشیج، مرگ پدرش علی مراد خان میرپنج، وصیت علیمرادخان به علی قلی خان سرداراسعد در مورد حسین بعد از مرگش، مرگ سرداراسعد، عهده داری سرپرستی حسین توسط جعفرقلی خان سرداراسعد، فقر و تنگ دستی حسین در حالی که پدرش ثروت فراوانی داشت و مشغول به کار شدن حسین برای تامین نیاز خود در وزارت پست و تلگراف اطلاعاتی را به دست آوریم. این شاعر، محقق، مترجم و نویسنده ای پرکار و توانا «در طول حیات پربار خود بیش از چهل اثر اعم از تالیف، ترجمه و تصحیح بر جای گذاشت، که بسیاری از آن ها هنوز منتشر نشده است و همچنین بالغ بر هفتاد مقاله یا اثر ادبی در مجلات معتبر آن دوران مانند: ارمغان، یغما، سخن، وحید، گوهر و ... به چاپ

رسانیده‌است» (بهرامی‌دشتکی، ۱۳۹۴: ۳۹) او از همان سال‌های آغاز کودکی و اوایل جوانی به شعر علاقه داشت و خود درباره شروع شاعری خویش می‌نویسد: «رشد فکری و جسمی من هنوز به مرحله کمال نرسیده بود اما احساس غریزی که از یازده سالگی شروع شده بود، در پانزده سالگی به وضعی عجیب بر سرپای وجودم، حاکم شد و با تمیناتی وحشیانه، ترکنازی می‌کرد. در آن اوقات با دوشیزه‌ای مصری فرانسوی سر و سری یافتم و چگونگی عشق او که در مجلات و برخی از تذکره‌ها چاپ شده، خمیرمایه شاعری من گردید» (پژمان بختیاری، ۱۳۷۲: ۲۷). آثار بسیار ارزشمندی از این شاعر، مترجم، محقق، ادیب و نویسنده توانا به‌یادگار مانده‌است که از جمله آن‌ها می‌توان: «تاریخ پست و تلگراف در ایران، دیوان اشعار، بهترین اشعار، زن بیچاره، خاشاک، محاکمه شاعر، اندرز یک مادر، کویر اندیشه و از تصحیح و تنقیح متون: لسان الغیب (دیوان حافظ)، دیوان جامی (نخستین چاپ در ایران)، ترانه‌های خیام، خمسه نظامی و دیوان ژاله قایم مقامی را نام برد» (همان: ۸).

## ۲. پیشینه

تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد پژمان بختیاری و اشعار او نوشته است که از این جمله پژوهش‌ها می‌توان پژوهش‌های زیر را نام برد:

### کتاب‌ها

۱- بابک زمانی‌پور (۱۳۸۲) مجموعه دو جلدی را در مورد حسین پژمان بختیاری به چاپ رسانده‌است. بابک زمانی‌پور کتاب اول خود را با عنوان «پژمان‌نامه (۱) تاریخ و فرهنگ چهارمحال و بختیاری در آثار پژمان بختیاری» نوشته‌است که این کتاب شامل پیشگفتار و دو فصل می‌باشد. در فصل اول کتاب به نقل زندگی‌نامه پژمان بختیاری و زندگی‌نامه خودنوشت پژمان بختیاری پرداخته و در فصل دوم به بررسی تاریخ چهارمحال و بختیاری در نظر حسین پژمان بختیاری پرداخته است. همچنین این نویسنده جلد دوم کتاب خود با عنوان «پژمان‌نامه (۲) حسین پژمان بختیاری به روایت دیگران» در همین سال به چاپ رسانیده که شامل مجموعه مقالات مختلفی، پیرامون

زندگی و شعر این ادیب ارجمند معاصر، از ایام حیات آن مرحوم تا روزگار حاضر که توسط ادبا، محققین و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادبیات ایران به نگارش درآمده‌اند، است. ۲- رضا بهرامی دشتکی (۱۳۹۴) کتابی با عنوان «زندگی و اشعار پژمان بختیاری؛ محقق، مترجم و شاعر بزرگ معاصر» نوشته‌است. این کتاب شامل یک پیشگفتار، مقدمه و پنج فصل می‌باشد. نویسنده در این کتاب زندگی‌نامه پژمان بختیاری و زندگی‌نامه خودنوشت پژمان بختیاری را آورده و سپس پژمان بختیاری را از نگاه اندیشمندان معاصر مورد بررسی قرار داده‌است. همچنین او در ادامه اشعار پژمان بختیاری را در این کتاب ثبت کرده‌است.

#### پایان‌نامه‌ها

۱- جهان‌بخش صیدی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «فرهنگ تشبیه در دیوان پژمان بختیاری» به بررسی پانصد و چهل بیت از اشعار پژمان بختیاری که دارای تشبیه بوده‌اند، پرداخته‌است. نتایج حاصل از پژوهش او نشان می‌دهد؛ شاعر از اغلب قالب‌ها و ظرفیت‌های شعر سنتی به عنوان محمل و بستری مناسب برای بیان مقصود و عواطف و مکنونات قلبی خویش بهره برده‌است و تشبیه را به طرز ماهرانه‌ای در اشعار خود به کار برده‌است. تشبیهات او ساده و بیشتر از نوع حسی به حسی است و جنبه‌های دیگر صورخیال همچون مجاز، استعاره و کنایه نیز در شعر او وجود دارد. او که از روحی حساس و ذهنی وقاد برخوردار بوده‌است و مسائل گوناگون جامعه اعم از تاریخی مذهبی سیاسی و اجتماعی در شعرش انعکاس یافته‌است. حسین پژمان بختیاری در کمال تواضع و فروتنی و با ظرافتی خاص مضامین شاعران متقدم را در اشعار خویش به کار برده‌است. ۲- نسیم‌هاشمی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «سبک‌شناسی اشعار حسین پژمان بختیاری» به بررسی اشعار او پرداخته‌است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: او شیوه نیمایی و به وجود آوردن سبک جدید و بریدن قوافی را نمی‌پسندد برای همین بیشتر اشعارش در همان سبک قدیم و سنتی است. از سعدی و حافظ و مولانا و نظامی تقلید می‌کند و در قطعات

ترکیبات و نوآوری‌هایش نیز وزن در شعرش کاملاً مشخص است اما هیچ وقت به سبک شاعران معاصر یعنی شعر نو شعر نسروده است. موضوعات شعرش مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی می‌باشد و تالم و درد و رنج‌های عاشقانه و عارفانه که در شعرش موج می‌زند. در شعر او جلوه‌ای از اشعار غربی نیز متبلور شده چون پژمان به زبان فرانسوی تسلط کامل داشته است و بسیاری از آثار اروپایی و غربی را مطالعه نموده و در خلق آثار شعریش خواه ناخواه تحت تاثیر این ترجمه‌ها و تالیفات غربی بوده است. در شعرش واژگان فرانسوی وجود دارد. ۳- محسن محمدحسینی (۱۴۰۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی شکواییه در دیوان پژمان بختیاری» به بررسی شکواییه‌های شاعر معاصر پرداخته و میزان و کیفیت هر یک از انواع شکواییه را در اشعار بررسی کرده است نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد؛ اشعار پژمان بختیاری مضامین دوری و فراق از یار، شکوه و گلایه از روزگار، حسرت روزهای گذشته به عنوان شکواییه‌های شخصی یا بسط و شکوه بیش از سایر انواع شکواییه است.

#### مقاله‌ها

۱- مریم‌السادات اسدی فیروزآبادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «اصالت احساس در دیوان پژمان بختیاری» به بررسی اشعار پژمان بختیاری پرداخته است. اشعاری که بیانگر احساسات و عواطف شخصی شاعر است و در حوزه ادب غنایی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که پژمان بختیاری در به تصویر کشیدن لحظات خوش و ناخوش زندگی چیره دست است. او که از کودکی از سایه پدر محروم گردیده و طفولیت را دور از دستان نوازشگر مادر به سر برده به شدت از این وقایع متأثر گردیده، بارها در دیوان با زبانی با احساس آزرده‌گی خود را در این خصوص بیان کرده است. به طور کلی پژمان بختیاری در سروده‌های غنایی خود آنجا که از زندگی عشق و مرگ سخن می‌گوید کلامی دلنشین و تاثیرگذار دارد.

۲- مظاهر نیکخواه و دیگران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی سبک‌شناسی غزلیات حسین پژمان بختیاری» به بررسی غزلیات او پرداخته‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد پژمان بختیاری از شاعران سنت‌گرای معاصر است که قائل به تغییر در فرم و شکل و قالب شعر نبوده و به همین خاطر از جهت قالب و موسیقی پیرو پیشینیان است. او مخلوطی از اصطلاحات کهن و نو را در شعر خود آورده‌است. از نظر زبانی، سادگی و روانی کلام در غزلش موج می‌زند و از واژگان مهجور و متروک استفاده نکرده است. بیشتر از ردیف‌های بلند استفاده کرده و تکرار قافیه در بیشتر اشعارش به چشم می‌خورد. وی در ساختن ترکیبات نقض و تشبیهات زیبا توانا است و عنصر تخیل در آثار او جایگاه شایسته دارد. اشعار وی سرشار از مضامین نو و تعبیر بدیع است هنر تصویرگری شاعر بیشتر استفاده از آرایه‌های بیانی، استعاره، تشبیه و کنایه است. این استفاده در حد متوسط و رایج است به طوری که کلام را پیچیده و معنا را غیر قابل دسترس نمی‌کند.

۳- اسماعیل جلیل پیران و جهانگیر صفری (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «باورهای مذهبی در شعر پژمان بختیاری» به بررسی باورهای مذهبی در شعر پژمان بختیاری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داده: پژمان بختیاری شاعری کاملاً مذهبی نیست اما از زیبایی‌های مذهب در شعرش بی‌بهره نیست و به خصوص هنگام دلتنگی و خستگی از جهان مادی بیشتر به مذهب و دین و خداوند توجه دارد و به نوعی قلب خسته و دردمند خویش را به این وسیله تسکین می‌دهد.

لازم به ذکر است که تاکنون در مورد مناسبات پژمان بختیاری با معاصرانش هیچ پژوهشی نوشته نشده‌است.

### ۳. معاصران پژمان بختیاری

عوامل مختلف و انگیزه‌های متعدد سبب شکل‌گیری روابط شاعران با معاصران خود شده است که از جمله این عوامل می‌توان شرکت و عضویت در انجمن‌های ادبی، محافل فرهنگی، کتابخانه‌ها و مجلات را نام برد. انجمن‌های ادبی در ایران سابقه‌ای

دیرینه دارند و به دو صورت برگزار می‌شدند: «یکی دوستانه و خصوصی که بر پایه هماهنگی مشرب و سلیقه و یا به تناسب سن و سال در محل‌هایی مانند منازل، خانقاه‌ها، مدارس، آرامگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و در دوره‌های اخیر در کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها برپا می‌شد و دیگری، رسمی که بنابر تکالیف دیوانی و به صورت گروه‌های ناهمگون در حضور پادشاهان شکل می‌گرفت» (مهدوی، ۱۳۹۹: ۱). این انجمن‌های ادبی محل تجمع بسیاری از شاعران و بزرگان بوده و سبب آشنایی هرچه بیشتر آن‌ها باهم و ایجاد مناسبات دوستانه میان آن‌ها شده‌است. همچون: «انجمن ادبی ایران در سال ۱۲۹۹ش و انجمن ادبی حکیم نظامی در اواخر ۱۳۱۱ش که توسط وحید دستگردی دایر شد» (میرحسینی، ۱۳۹۷: ۱۲۸). ادیب برومند که در انجمن ادبی با پژمان‌بختیاری آشنا شده‌است درباره آشنایی خود با پژمان‌بختیاری می‌نویسد: من با پژمان بختیاری در انجمن ادبی فرهنگستان آشنا شدم. این انجمن ادبی به ریاست مرحوم ادیب‌السلطنه سمیعی تشکیل می‌شد (برومند، ۱۳۸۳: ۶-۹). دفتر مجلات نیز از دیگر محل‌های تجمع و گردهمایی شاعران بوده‌است. آل‌داود در ارج‌نامه حبیب‌یغمایی می‌نویسد: اشخاص گوناگون به دفترمجله می‌آمدند که از جمله آنان شاعران و نویسندگان بودند. بیشتر شاعران و نویسندگانی که آمد و رفت مکرر به مجله داشتند از دوستان حبیب بودند. اسلامی‌ندوشن، ایرج افشار، زرین‌کوب، محمدامین ریاحی، سادات ناصری، باستانی‌پاریزی، حمیدی شیرازی، پژمان بختیاری و مهندس رضوی از جمله کسانی بودند که به دفترمجله می‌آمدند (آل‌داود، ۱۳۸۵: ۴۱۲). بهرامی دشتکی نیز می‌نویسد: سیف‌الله‌وحیدنیا برای اولین بار در انجمن ادبی حکیم نظامی، در دفتر مجله ارمغان پژمان بختیاری را ملاقات کرد و پس از گذشت دوازده سال دومین دیدار نیز در دفتر مجله وحید بود. البته بعد از آن، دیدارها تداوم پیدا کرد (بهرامی دشتکی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). با توجه به فعالیت پژمان‌بختیاری با رادیو و برنامه گل‌ها این فعالیت نیز زمینه آشنایی و دوستی پژمان بختیاری با شاعران، نویسندگان، نوازندگان و خوانندگان برجسته کشور را فراهم آورد. نادر نادرپور می‌نویسد: پژمان‌بختیاری به هنگام صحبت

از فاصله‌ها در می‌گذشت و هفتادسالگی را به بیست سالگی می‌پیوست. کلام سالخوردگان و نشاط خردسالان را داشت. از خدمتش در سازمان رادیو می‌گفت و از همکاریش با برنامه گل‌ها که نخست سرپرست آن، داوود پیرنیا بود و دومین، رهی معیری و سومین خود او بود. از شورای شعر و ترانه رادیو می‌گفت که سالی چند عضو آن بود. (نادرپور، ۱۳۵۳: ۱۱۰-۱۱۲) با این وصف می‌توان گفت: بیشتر شاعران و ادیبان برجسته معاصر ایران از دوستان و آشنایان پژمان بختیاری بودند و پژمان در زمان حیات خود با آن‌ها مراوده و دوستی داشته‌است. این موضوع را می‌توان در نوشته‌های باستانی پاریزی در مقدمه دیوان پژمان دید که می‌نویسد: پژمان بختیاری که در مجالس نظمی و بزمی کسانی چون ایرج میرزا، خدای شعر قرن معاصر ما و در حضور ادیب نیشابوری، استاد فروزانفر، شیخ رئیس محمدهاشم میرزا، مرحوم احمد دهقان و بهمنیار کرمانی به میهمانی رفته و در گفتگوی ادبی آن‌ها شرکت می‌کرد، شاعری کوچک و مرد گمنامی نیست. امثال رهی معیری و گلچین معانی افتخار داشتند که شعرشان در اطلاعات ماهانه در کنار شعر پژمان چاپ شود. پژمان بختیاری از تعریف و توصیف ما مستغنی است (پژمان بختیاری، ۱۳۶۸، مقدمه: سی‌ویک). بهرامی دشتکی علاوه بر این شاعران، از دیگر دوستان نزدیک پژمان بختیاری، ملک الشعرای بهار، جلال‌الدین همایی، نیمایوشیج، وحید دستگردی، امیرفیروزکوهی، استادشهریار، حبیب یغمایی، مهدی اخوان‌ثالث، حمیدی شیرازی، مهدی سهیلی، نادر نادرپور و انجوی شیرازی را نام می‌برد و می‌نویسد: پژمان با این افراد معاشرت و دوستی طولانی داشت (بهرامی دشتکی، ۱۳۹۴: ۳۵). اما در اشعار پژمان از دوستان، شاعران، دانشمندان و ادیبان معاصر تنها نام ملک الشعرای بهار، وحید دستگردی، رشیدیاسمی، حبیب یغمایی، پروین بامداد و جعفرقلی‌خان سرداراسعد بختیاری را می‌توان دید و جای خالی، نام بسیاری از دوستان او در اشعارش دیده می‌شود. پژمان بختیاری از سرودن شعر در سوگ دوستان بیزار بوده‌است و افشار در مقدمه کویر اندیشه در این باره می‌نویسد: «از او خواستم تا از زندگی ادبی خود صحبت کند از روزهایی که با ادیبان و شاعران



پیشین گذرانیده است. گفت: آن‌ها را که برتر می‌شناختم و بر من حق تربیت و تعلیم ادب دارند، ملک الشعرا و وحید دستگردی و بدیع‌الزمان فروزان‌فرند. من به سرودن قطعه در مرگ دوستان عادت نکرده‌ام و از ماده تاریخ‌گویی بیزارم. درباره ملک‌الشعرا بهار دو قطعه و در رثای وحید یک قطعه سروده‌ام» (پژمان بختیاری، ۱۳۷۲: ۹-۱۳). البته برای سرودن شعر در سوگ شاعران و دوستان، انگیزه‌های متعددی را می‌توان برشمرد. از جمله: «ادای حق دوستی، همکاری‌بودن، یکی بودن خط مش سیاسی و فکری، روابط ادبی، احساس وظیفه در همدردی و همراهی با جامعه ادبی، شعر دوستی، نشان دادن قدرت شاعری در بیان ماده تاریخ، بازتاب عقاید و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در شعر یا انتقاد را نام برد» (میرحسینی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). با توجه به عوامل و انگیزه‌های متفاوت آشنایی شاعران، نویسندگان، ادیبان و بزرگان باهم، انگیزه‌های مختلف سرودن شعر در سوگ آن‌ها و بررسی اشعار پژمان بختیاری برای شاعران، نویسندگان، ادیبان و بزرگان معاصران خود، می‌توان مناسبات پژمان با معاصران خود را در دو دسته، تقسیم بندی کرد. ۱- مناسبات خانوادگی ۲- مناسبات فرهنگی.

### ۱. مناسبات خانوادگی

از میان نویسندگان، شاعران، ادیبان و بزرگانی که پژمان بختیاری در دیوان اشعارش به آن‌ها اشاره کرده و برای آن‌ها شعر سروده، جعفرقلی‌خان بختیاری، سردار اسعد سوم را می‌توان نام برد که این فرد با پژمان بختیاری نسبت خانوادگی دارد.

#### ۳. ۱. جعفرقلی‌خان سردار اسعد

جعفرقلی‌خان سردار اسعد، فرزند علی‌قلی‌خان سردار اسعد است. علی‌قلی‌خان سردار اسعد و جعفرقلی‌خان فرزند او در بین مردم بختیاری بسیار محبوب هستند و از آن‌ها همیشه با افتخار یاد می‌شود. علی‌قلی‌خان خواهرزاده علی‌مرادخان میرپنج است. او متولد ۱۲۷۴ق و دارای ذوق فرهنگی و تاریخ دوستی است. «در بین خوانین بختیاری، سردار اسعد از هوش و ذکاوت بیشتری برخوردار بود، علاقمند به فرهنگ و

تاریخ بود. به دلیل مسافرت به اروپا و حضور بیشتر در پایتخت با افکار و اندیشه‌های نو آشنایی بیشتری داشت و در جلسات و محافل روشنفکران شرکت می‌جست» (علیزاده گل‌سفیدی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۴). هنگامی که علی‌مراد خان در بستر بیماری قرار دارد به او وصیت می‌کند تا در پایان سال تحصیلی و با اتمام امتحانات حسین او را به فرنگ، نزد خانواده خود بفرستد. آن‌گونه که پژمان‌بختیاری در زندگی‌نامه خود نوشت، خود می‌نویسد: پدر قبل از فوت از سردار اسعد می‌خواهد در پایان امتحانات امسال حسین را به فرنگ نزد خانواده خود بفرستد اما بعد از فوت علی‌مرادخان وقتی بی‌بی‌گلندام از او می‌خواهد تا حسین را با خود به دیار بختیاری ببرد و سردار اسعد قبول می‌کند و به وصیت دایی خود عمل نمی‌کند. حسین به دشتک می‌رود و بعد از گذشت دوسال به تهران برمی‌گردد. در این زمان سردار اسعد بیمار است. سرپرستی حسین را به پسرش جعفرقلی خان می‌سپارد. در آن زمان پژمان متوجه می‌شود که از ثروت پدر چیزی به او نمی‌رسد (پژمان‌بختیاری، ۱۳۶۸: مقدمه: شصت و نه-هفتاد و پنج). جعفرقلی خان سردار اسعد بختیاری معروف به سردار اسعد سوم است. پوروهاب درباره او می‌نویسد: «جعفرقلی خان، در جریان مشروطه به کمک پدرش علی‌قلی خان سردار اسعد به دفع طرفداران محمد علی شاه برخاست و در دادگاه عالی انقلابی مشروطه خواهان جزو قضات آن دادگاه بود که اشخاصی مانند شیخ فضل الله نوری را محاکمه و به اعدام محکوم کردند. در کابینه مستوفی الممالک به مقام وزارت پست و تلگراف رسید. مدتی هم حاکم کرمان و خراسان شد. او که از یاران نزدیک رضا شاه بود پس از چندی مغضوب وی شد و در زندان در سال ۱۳۱۳ ش به قتل رسید» (پوروهاب، ۱۳۹۱: ۱۰۷). اگر دیوان پژمان‌بختیاری را نگاه کنیم خواهیم دید که: «در سراسر دیوان اشعار پژمان تنها دو بار آن هم در حد اشارتی گذرا به علی‌قلی خان سردار اسعد دوم برمی‌خوریم و نیز دو اشاره کنایه آمیز به جعفرقلی خان سردار اسعد سوم و به این‌ها بیفزایید ماده تاریخی که پژمان به مناسبت کشته شدن جعفرقلی خان سردار اسعد سوم (پسر علی‌قلی خان) سروده که البته در این یکی از وی به نیکی یاد

کرده است» (کیهان بختیار، ۱۳۸۵: ۱۵). پژمان‌بختیاری انسانی وارسته و بزرگ است. با وجود این‌که علی‌قلی‌خان به وصیت علی‌مرادخان عمل نکرد و جعفرقلی‌خان نیز پیشیزی از ثروت پدر را به پسر نداد و او با رنج و سختی زندگی کرد اما از آنان که خویشان نزدیک او بودند و به او بد کرده بودند درگذشت و از بدی‌هایشان چشم‌پوشی کرد و بعد از فوت جعفرقلی‌خان، ماده‌تاریخی سرود که در آن از شجاعت، بزرگی، تلاش شبانه‌روزی جعفرقلی‌خان برای آزادی ایران و به هلاکت رساندن دشمنان ایران زمین صحبت کرد.

راد سردار اسعد آنکه به دهر رایت سروری به ماه کشید  
سال‌ها بهر پاس آزادی به یسار و یمین سپاه کشید  
سرکشان را به اوج دار کشاند رهنان را به قعر چاه کشید  
از پی سالماه او پژمان نقشی از طبع نکته‌خواه کشید  
پی تاریخ فوت او چون گفت اسعد بختیار «آه» کشید  
(پژمان‌بختیاری، ۱۳۶۸: ۴۶۵)

### ۳.۲. مناسبات فرهنگی

از میان نویسندگان، شاعران، ادیبان و بزرگانی که پژمان بختیاری در انجمن‌های ادبی، دفتر مجلات، رادیو و کتابخانه‌ها با آن‌ها آشنایی و دوستی داشت و در دیوان اشعارش به آن‌ها اشاره کرده و برای آن‌ها شعری سروده حبیب یغمایی، ملک‌الشعرا بهار، رشید یاسمی، وحید دستگردی، پروین بامداد و قمرالملوک وزیری را نام برد که این فرد با پژمان بختیاری مناسبات فرهنگی دارند.

### ۳.۲.۱. کریم امیری فیروزکوهی

کریم امیری فیروزکوهی، شاعر معاصر «متولد ۱۲۸۸ش در دهکده فرح آباد فیروزکوه» (امیری فیروزکوهی، ۱۳۶۹: ۱۰). که در ابتدای دیوان اشعار خود به آشنایی و دوستی با پژمان بختیاری اشاره می‌کند و از حشر و نشر دایمی خود با پژمان می‌نویسد. امیری از شعرا در گذشته معاصر، تعداد زیادی را در دیوان اشعارش نام می‌برد که نام پژمان

بختیاری هم در میان آن‌ها دیده می‌شود. او می‌نویسد: از شعرای در گذشته معاصر تا آنجا که به یاد دارم با حضراتی چون... پژمان بختیاری... آشنا بودم.... بسیار متأسفم که توفیق زیارت... ژاله قایم مقامی مادر مرحوم «پژمان» را... نیافتم... و عجیب این که مرحوم پژمان با حشر و نشر دایمی با من اصلاً از عظمت مقام مادر در شعر سخن نمی‌گفت و ظاهراً با آن زن محروم بر سر مهر و محبت فرزندی نبود. فقط یکی دو بار شنیدم که می‌گفت مادر من طبعی در شعر دارد و گاهی چیزی می‌گوید. لکن پس از گذشت سی سال از فوت آن شاعره اعجوبه دیوانش را منتشر کرد و پرده از روی آن الهامات غیبی برگرفت و نشان داد که آن زن عقب‌ری نه تنها بر پسر خود بلکه بر اکثر شعرای عصر ترجیح داشت (همان: ۳۳-۳۵).

### ۳. ۲. ۲. جمشید امیربختیاری

جمشید امیربختیاری، «از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۴ ق متولد شد و در مدارس اصفهان تحصیل نمود. او علاقه فراوانی به استاد ملک الشعرای بهار داشت و از خرمن فضل و ادب او خوشه‌ها چیده بود. اشعارش در روزنامه‌ها و سالنامه‌های اصفهان به چاپ می‌رسید و در شعر «جمشید» تخلص می‌کرد. او رساله کوچکی در قضایای عاشورا نوشته که به چاپ رسیده است» (امیربختیاری، ۱۳۹۶/۱۰/۱۷). او نیز از معاصران، دوستان و مشوقان پژمان بختیاری است و پژمان بختیاری در پیشگفتار کویراندیشه درباره او می‌نویسد: «جناب آقای جمشید امیر بختیاری نیز یکی از مشوقان حقیر بوده همواره در نوشته‌های بدیع و سخنرانی‌های بلیغ خویش جایی برای تشویق و تحسین بنده ناچیز در نظر گرفته‌اند» (پژمان بختیاری، ۱۳۴۹: پیشگفتار، ک).

### ۳. ۲. ۳. پروین بامداد

پروین تکین بامداد، متولد ۱۳۰۴ تهران است. مادرش بدرالملوک بامداد روزنامه نگار، آموزگار، نویسنده و فعال اجتماعی ایران بود. عضو انجمن کانون بانوان و بعدها از موسسان سازمان بانوان هوادار حقوق بشر و صاحب امتیاز روزنامه زن روز بود. یک سال بعد از تولد پروین پدرش درگذشت و مادر او را به تنهایی بزرگ کرد (بامداد

۱۴۰۳/۰۸/۲۳). پروین لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی اخذ کرد. او که در هنر نقاشی آوازه‌ای داشت از شاعران پرآوازه زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب در مجلات تهران به چاپ رسانید. ابتدا اشعارش را با نام مستعار سیمرخ منتشر می‌کرد ولی بعدها از نام خود استفاد می‌کرد (بامداد، ۱۴۰۳/۰۸/۲۳). اگر به دیوان اشعار پژمان بختیاری نگاه کنید نام او را خواهید دید. این شعر با عنوان نخستین دیدار با خانم پروین بامداد شاعر گرامی در صفحه ۴۷۵ ثبت شده‌است. این دیدار در یک محفل ادبی صورت می‌گیرد و پژمان بختیاری در این شعر پروین را شایسته تحسین می‌داند.

به وقت صبحدمان، کوبی فروزان را به خواب دیدم و خوابی، عجیب شیرین بود  
چو بامداد، سرپرده برکشید به کوه عیان شد آنچه سزاوار مدح و تحسین بود  
به غمزه دیده بی‌خواب آسمان می‌گفت که آن ستاره مهرآفریده، پروین بود  
(پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۴۷۵)

و در ادامه شعر دیگری با نام پاسخ پروین بامداد به قطعه بالا را در دیوان ثبت شده‌است. نشان از دیدار و آشنایی این دو شاعر برجسته در سنین پیری پژمان دارد.

به بزم شعر، شبی دیده آشنا کردم به طلعتی که به دل، آشنای دیرین بود  
به شام تیره عمرم، دمید پرتو روز ستاره‌ای که سزاوار مهر پروین بود  
چه شورها که به برق نگاه می‌انگیخت بیان و لهجه و لبخند او، چه شیرین بود  
اگر چه چهره پرچین و موی سیمین داشت هنوز هم به خدا، رهن دل و دین بود  
(همان: ۴۷۶)

### ۳. ۲. ۴. محمدتقی بهار

محمدتقی بهار، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، تاریخ‌نگار و ادیب معاصر فرزند محمدکاظم صبوری، ملک‌الشعراي آستان قدس رضوی که خود نیز بعد از پدر این منصب را به دست می‌آورد. محمدتقی از کودکی به گل‌ها و کشیدن نقاشی علاقه فراوانی داشت. استاد همایی شرح زندگی مرحوم بهار را به نقل از خود او می‌نویسد:

شعر گفتن را از هفت سالگی شروع کردم و اولین شعرم را در حاشیه شاهنامه نوشتم که از پدر ۱۰ پول سیاه جایزه گرفتم و شعر این بود:

تہم‌تن بیوشید بیر بیان    بیامد به میدان چو شیر ژیان

من اصول ادبیات را نزد پدرم آموخته بودم پس از مرگ وی ۱۸ سال داشتم و در این وقت تحصیلات خود را در نزد ادیب نیشابوری دنبال کردم و مقدمات عربی و اصول کامل ادبیات فارسی را نخست در پیش پدر و سپس در مدرسه نواب در خدمت اساتید آن تکمیل نمودم. بعد از مرگ پدر چنان در شعر گفتن مهارت به خرج می‌دادم که جز معدودی از اساتید سایر فضلا آن را باور نکردند و می‌گفتند بهار اشعار پدرش را از بر کرده و به نام خود می‌خواند (همایی، ۱۳۷۰: ۱۷-۲۶). پژمان بختیاری بهار را استاد خود معرفی می‌کند که بر او حق تعلیم و تربیت دارد. در رثای ملک‌الشعرای بهار شعری سروده است و از دست دادن بهار را چون از دست دادن پدری مهربان و دلسوز برای خانواده شاعران، نویسندگان و ادیبان ایران می‌داند که با رفتنش آشیانه شعر و ادب ویران شده است.

مردی بلند مرتبه ز ملک جهان برفت    وز خاندان ما پدری مهربان برفت  
رونق فزای محفل شعر و سخن بمرد    زیور طراز شاهد نطق و بیان برفت  
آن مظهر حقیقت از این بارگه بشد    وان گل بن فضیلت از ین بوستان برفت  
ویران شد آشیانه شعر و ادب از آنک    آن مرغ نغمه گستر از ین آشیان برفت  
(پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۱۵-۱۶)

همچنین که اشاره کردیم پژمان بختیاری از ماده تاریخ‌گویی گریزان است اما در فوت این استاد ارجمند و پدر مهربان ماده تاریخی سروده است که نشان از بزرگی و عظمت ملک‌الشعرای بهار و دوستی این دو شاعر، نویسنده و محقق بزرگ معاصر دارد.

صبردار ای دل که یار از دست رفت    رفت یار از دست و کار از دست رفت  
نالم از بی اختیار از من مبین    کز فراقش اختیار از دست رفت

سهمگین بادی غبارانگیز خاست و آفتابی در غبار از دست رفت  
 دیده فضل و فضیلت تیره شد در غباری کان سوار از دست رفت  
 گفتم ای دل بهر سال فوت او سالماهی جو که یار از دست رفت  
 یاری اندر جمع ما سرکرد و گفت بهر تاریخش (بهار از دست رفت)  
 (همان: ۱۵-۱۶)

او در شعر خود بهار و مردی بلند مرتبه، مایه رونق روزافزون محافل ادبی، مظهر حقیقت و گلبن فضیلت معرفی می‌کند که گرد کدورت را به خاطری نشانده است. همچنین دکترپاریزی در مقدمه دیوان مرحوم پژمان بختیاری می‌نویسد: پژمان که گاهی با ملک الشعرای بهار، همدم و هم‌دود است. شعر «شکست دست قمر» را با یکدیگر به اشتراک می‌سرایند. دکتر پاریزی چند بیت از این شعر را ثبت کرده و می‌نویسد: این شعر گویا مفصل‌تر از این است و من آن را به خاطر ندارم و این چند بیت را هم از حافظه نقل کردم که از پدرم در پاریس شنیده‌ام ولی جایی ندیده‌ام، خود مرحوم پژمان به من می‌گفت این شعر را با ملک الشعرا به طور شریکی دو به دو گفتیم و مصداق سرودن آن نیز واقعه‌ای بود که در اثر تصادف کالسکه، دست قمرالملوک شکسته بود.

ای چرخ تو را اگر چه دین نیست دستی که شکستنی است این نیست  
 دستی که به کس جفا نکرده در عهد به کس خطا نکرده  
 دستی که کند ز خوش ضمیری ز اطفال یتیم دستگیری  
 صد قرن هزار ساله باید تا یک قمرالملوک زاید  
 (همان، ۱۳۶۸: مقدمه، سی‌ویک)

### ۳.۲.۵. سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی، معلم، نویسنده، شاعر و غزل‌سرای معروف معاصر ایرانی است. سیمین بهبهانی، شاعر، معلم، با اغلب شاعران و نویسندگان زمان دیدار و نشست داشته و همین باعث پویایی وی نیز شده است (ابومحجوب، ۱۳۸۲: ۴۵). در سال (۱۳۴۹) آیین تجلیل از پژمان شاعر بزرگ معاصر در تالار موزه ایران باستان با حضور ادبا و شاعران

برجسته برگزار گردید در این آیین سیمین بهبهانی نیز شعری در وصف پژمان خواند. پژمان بختیاری در کویر اندیشه نوشت: دختر عزیزم سیمین بهبهانی غزلی برای اعزاز و تشویق بنده ساخته بود که نقل آنرا اگر چه اجازه نگرفته‌ام وظیفه خود می‌دانم ضمناً عرض شود که در موقع انشاد غزل خویش مرا دعوت فرمودند که در کنارشان بایستم.

شد شعرتو روشن‌گر جان امشب و هرشب جان منی و جان جهان امشب و هرشب  
 هر بیت تو سرشارتر از ساغر لبریز شد مایه سرمستی جان امشب و هرشب  
 ای بر همه اقلیم سخن حاکم مطلق بر شهر سخن حکم بران امشب و هرشب  
 یعنی که در این خانه بمان امشب و هرشب گفتم که دلم خانه پژمان صفاجوست

دخترم پس از اتمام غزل شیوا و سرشار از محبت خالصانه خویش در حالی که لبهای بوسه انگیز خود را غنچه کرده بمن عرضه می‌داشت فرمود: بده بستان بدیهی است که با کمال تشکر استفاده کردم و آن ژست خانمانه در حضار مجلس اثری پرشور بخشید اما:

جان پژمان فدای سیمین باد که مرا هم ستود و هم صله داد  
 (پژمان بختیاری، ۱۳۴۹: پیشگفتار، یط - ک)

### ۳.۲.۶. وحید دستگردی

حسن وحید دستگردی، محقق، ادیب و شاعر توانا، متولد ۱۲۵۸ ش، روستای دستگرد اصفهان که تخلص او وحید است. او از احمد شاه قاجار لقب سلطان الشعراء دریافت کرد و از آغاز جنبش مشروطیت به آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان پیوسته و با نوشتن مقالات اجتماعی و سیاسی در روزنامه اصفهان: پروانه، زاینده رود، درفش کاویان و مفتش ایران و چاپ اشعار انتقادی خود به مبارزه به استبداد پرداخت. در جریان حمله مشروطه‌خواهان بختیاری به اصفهان و سقوط اقبال الدوله کاشی حاکم منصوب محمدعلی شاه چکامه‌ای در سال ۱۳۲۷ سروده است. با آغاز جنگ جهانی اول، وحید به دفاع از آلمان و بر علیه روسیه و انگلیس اشعاری سرود که پس از ورود روس‌ها به



اصفهان، آن‌ها در پی دستگیری او برآمدند. وحید به چهارمحل و بختیاری پناه برد و به تالیف کتاب «ره آورد وحید» پرداخت. وقتی به تهران آمد، انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در سال ۱۲۹۸ش، مجله ادبی ارمغان را در تهران تأسیس کرد که مدت بیست و دو سال (با فواصل) منتشر می‌شد. در همین دوران جلسات درس و بحث دایر کرد و کتاب‌های بسیاری تصحیح و تحشیه و چاپ کرد (وحید دستگردی، ۱۴۰۳/۰۸/۱۷). آشنایی و دوستی پژمان بختیاری و وحید دستگردی به سالیان دور گذشته برمی‌گردد. پژمان بختیاری در عرض شکران خود در کویراندیشه او را از اساتید خود معرفی می‌کند و می‌نویسد: «استاد فقید شادروان وحید دستگردی بود که تقریباً از بدو تاسیس مجله ارزشمند ارمغان مرا به نگارش آثار نظم و نثر و ترجمه در آن نشریه دعوت فرموده از طرفی با دانشمندان زمان خود آشنا ساخت و از طرف دیگر بر افزایش معلومات ادبی و رفع مجهولات لغوی حقیر اهتمام فرمودند» (پژمان بختیاری، ۱۳۴۹: پیشگفتار، یح).

ما را هوای دید و سر بازدید نیست      قفل زبان بسته ما را کلید نیست  
ما تم رسیده‌ام من و ماتم رسیده را      عید از بیبارد از در و دیوار، عید نیست  
ما را دگر به محفل شعر و ادب مخوان      کان کس که جان به محفل ما می‌دمید نیست  
گرمی فزای انجمن ما وحید بود      اکنون ز انجمن چه ثمر، چون وحید نیست  
(پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۳۳۶-۳۳۷)

### ۳. ۲. ۷. مهدی سهیلی

مهدی سهیلی، شاعر و نویسنده بزرگ معاصر «متولد ۱۳۰۳ که سال‌ها در رادیو برنامه اجرا می‌کرد» (سهیلی، ۱۴۰۳/۰۸/۲۶). پژمان بختیاری با مهدی سهیلی دوستی بسیار نزدیکی داشت. «استاد سهیلی در کتاب هزار و صد غزل هماهنگ نوشته است: پژمان بختیاری از دوستان انجمن ادبی که به سال ۱۳۴۵ خورشیدی در دفتر نگارنده، تشکیل نزدیک من بود می‌شد، بدون تعطیل شرکت می‌کرد و بارها در برنامه‌های مشاعره و بزم شاعران با او گفت‌وگو و شعرخوانی داشتم و روزگاری سرپرست شعر «برنامه‌های

گل‌ها» بود و «پژمان» نیز در کتاب «کویر اندیشه درباره «سهیلی» نوشته است: «چهارمین والا قدری که تقریباً جمیع غزل‌های مرا در برنامه «کاروانی از شعر و موسیقی» نقل کرده و مقدار زیادی از غزل‌هایم را در کتاب‌های خود «گنجینه سهیلی» و کتاب «گنج غزل» درج فرموده است رفیق عزیزم آقای مهدی سهیلی است که نمی‌دانم چگونه از او شکرگزاری کنم» (زمانی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

### ۳. ۲. ۸. سید محمدحسین شهریار

سید محمدحسین بهجت تبریزی، شاعر معاصر، «متخلص به شهریار، متولد ۱۲۸۵ش در تبریز است» (شهریار، ۱۴۰۳/۰۸/۲۶). علی‌زاده در کتاب خود در آشنایی و دوستی پژمان بختیاری و سید محمدحسین شهریار می‌نویسد: در «ناصریه» که «ناصر خسروی» فعلی باشد، کتابخانه‌ای به اسم خیام است. مدیر کتاب‌خانه خیام، ترقی یک کتاب‌خانه خیلی کوچکی داشت که فقط چند نفر آنجا می‌آمدند، استاد سعیدنقیسی، پژمان بختیاری، نیما، بنده (شهریار) هم رفتم و دیدم بله، سعیدنقیسی بود با او آشنا شدم، نیما هم بود و یک ساعت بعد پژمان آمد و اولین بار پژمان بختیاری را آنجا دیدم. من آن زمان سال چهارم دارالفنون بودم (علی‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۰).

### ۳. ۲. ۹. بدیع‌الزمان فروزان‌فر

محمد حسین بشرویه‌ای متولد (۱۲۷۶) در بشرویه که معروف به بدیع‌الزمان فروزان‌فر است. ادیب، نویسنده، مترجم و پژوهشگر ادبی است. او یکی از مولوی پژوهان بزرگ معاصر به شمار می‌رود (بدیع‌الزمان فروزان‌فر، ۱۴۰۱/۷/۹). پژمان بختیاری در پیشگفتار کویراندیشه تقدیر کرده و او را استاد خود معرفی کرده است و می‌نویسد: «نخستین کسی که بالغ بر دو سال از عمر شریف و گران ارز خود را به تربیت و تعلیم ادبی بنده مصروف داشتند. عمری که اگر در پرورش جوانانی لایق‌تر از این ناچیز بکار می‌رفت نتیجه بیشتری برای اجتماع و فایده بزرگتری برای سرفرازی شخص بنده حاصل می‌شد استاد سعید فقید دانشگاه ایران شادروان بدیع‌الزمان فروزان‌فر بود که اخیراً روح

پاکش به بهشت جاودان نقل مکان کرد و عالم از محصول دانش او بی نصیب ماند» (پژمان‌بختیاری، ۱۳۴۹: پیشگفتار، یح).

### ۳. ۲. ۱۰. محمود فرخ

سید محمود فرخ خراسانی، شاعر، نویسنده، ادیب، نماینده مجلس شورای ملی متولد «۱۲۷۴ش در مشهد است» (فرخ، ۱۴۰۳/۰۸/۲۶). محمود فرخ در مجله یغما درباره پژمان‌بختیاری می‌نویسد: پژمان عزیز از جهان رفت، چه دشوار و سخت است دوستی صدیق و نجیب و با وفا لطیفه‌گوی، مهربان، آزاده، با دانش با محبت و درویش‌خوی را از دست دادن و بر مرگش تا قیامت گریستن. او یادآوری می‌کند، در بیستمین سال مجله مثنوی در بحر متقارب سروده بود و پژمان‌بختیاری نیز در تشویق او به همان شیوه مثنوی سروده بود و همچنین می‌نویسد؛ با پژمان چند بار هم سفر بودم. هم منزل، رفیق و هم زبانی صمیمی‌تر و نجیب‌تر از او نیافتم (فرخ، ۱۳۵۳: ۶۱۶-۶۱۷).

### ۳. ۲. ۱۱. قمرالملوک وزیری

قمرالملوک وزیری خواننده آوازهای سنتی ایرانی که در دوره خود بسیار شهرت داشت و یکی از پرآوازه‌ترین خوانندگان زن در آوازهای سنتی ایران است. «نام قمرالملوک وزیری همواره با صفات پسندیده‌ای چون بخشنده‌گی، مهربانی، فروتنی و شجاعت در خاطر همگان نقش می‌بندد؛ تا جایی که هنرمند بزرگی چون امیرجاهد که شعر و آهنگ بسیاری از تصنیف‌های قمر را ساخته است، در وصف او چنین می‌گویند: قمر (قمرالملوک وزیری) زنی بسیار شجاع و بسیار خوش قریحه بود. قدرت حنجره‌ی او را در هیچ‌کس ندیده. او از آواز سرشار بود. در فاصله‌ی شش ماه، من هر هفته دو تصنیف برای او ساختم و قمر در همان شب به درستی آهنگ تصنیف را می‌فهمید و بدون تفحص، صبح فردا آن را اجرا می‌کرد. یک چنین استواری را من در هیچ‌کس دیگر ندیده‌ام. قمرالملوک تصنیف‌های زیادی را از شاعران معاصر خوانده‌است، که از جمله تصنیف‌های ماندگار خوانده‌شده توسط قمرالملوک وزیری می‌توان به: آتش جاودان، سروده حسین پژمان‌بختیاری اشاره کرد» (خلیلی، ۱۴۰۱/۰۷/۲۸). همچنین که

اشاره شد، پژمان بختیاری و مرحوم بهار باهم در حادثه تصادف کالسکه و شکسته شدن دست قمرالملوک وزیری برای او شعری را سرودند که نشان از دوستی و مراودات این دو هنرمند بزرگ کشورمان دارد. بعد از فوت قمرالملوک وزیری، پژمان بختیاری در سوگ او شعری سروده که در دیوان اشعار او متن کامل شعر را می‌توان مطالعه کرد. او در این شعر قمر را گنج شایگان معرفی می‌کند و این به خاطر سخاوت او است. خلیلی در این باره می‌نویسد: او که از هر فرصتی برای کمک به انسان‌های نیازمند و کودکان استفاده می‌کرد. همچنین به میرزاده عشقی، شاعر توانمند کشورمان برای تامین مخارج زندگی کمک می‌کرد و آن را دستمزد او برای سرودن اشعارش قرار می‌داد تا منتی نباشد و او سرافکنده نشود (همان).

دردا که قمر ازین جهان رفت      آهی شد و سوی آسمان رفت  
تن رفت به خاک و جان پاکش      نوری شد و سوی لامکان رفت  
شب، سوخت در آتشی روانگاه      چون شمع سحرگه، از جهان رفت  
(پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۴۶۶)

### ۳. ۲. ۱۲. رشید یاسمی

غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، نویسنده، عضو فرهنگستان ایران، عضو انجمن ادبی ایران، مورخ، مترجم و شاعر معاصر ایرانی است. او افزون بر زبان مادری‌اش بر زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی و پهلوی نیز تسلط داشت. استاد همایی در مقدمه دیوان رشید یاسمی نوشته‌اند: «در میان چندین گوهر تابناک گران‌بهای شعر و فضل و ادب که در این چند سال اخیر، یکی بعد از دیگری از دست ما بدر رفتند و پرتو فروغ بخش خود را از این جهان باز گرفته برحمت حق پیوستند. رشید یاسمی تابش و ارزش دیگر داشت. سرمایه هنر و کمالات رشید یاسمی منحصر به همین شعر و شاعری نبود، بلکه نویسنده زبردست هم بود، استاد تاریخ و جغرافیا نیز بود. علاوه بر فنون ادبیات و تاریخ که رشته تخصصی او محسوب می‌شد، از علوم منطق و فلسفه و کلام نیز بهره داشت. مخصوصاً فلسفه و عرفان شرقی را به

اندازه‌ای که برای ادیبان فاضل در بایست است نزد فضلالی قدیم تحصیل کرده بود» (یاسمی، ۱۳۶۲: مقدمه، یازده-سیزده). رشید یاسمی مقالات ادبی، تاریخی، فلسفی و انتقادی‌اش را مجلات نوبهار، ارمان، آینده، تعلیم و تربیت، یغما، مهر و دیگر نشریات به چاپ می‌رساند، از مجموعه مقالات قابل توجهی که او را در مرکز توجه اهالی ادبیات قرار داد، مقالات انتقادی به آثار نویسندگان و شاعران معاصر بود که در روزنامه شفق‌سرخ منتشر می‌شدند. آگاهی و شناخت زبان پهلوی، ایشان را در ترجمه‌ی رساله‌های «اندرز اوشنر دانا»، «ارداویراف‌نامه» و «اندرز آذر مهر اسپندان» رهنمون ساخت. آن استاد فرهیخته، تاریخ مختصر ایران را برای تدریس در مدارس به نگارش درآورد. تصحیح قانون اخلاق، سلامان و ابدال جامی، ترجمه تاریخ ملل و نحل، ایران در زمان ساسانیان و تصحیح دیوان مسعود سعد سلمان از دیگر آثار ارزشمند آن استاد فقید هستند. پژمان بختیاری برای درگذشت این دوست و استاد بزرگ ادبیات شعری سروده که در دیوان او می‌توانید آن را ببینید. او در این شعر یاسمی را دوستی صادق معرفی می‌کند که وجودش چون دریا بخشنده و جوانمرد بود و می‌گوید یاسمی مثل اشکی زلال و صاف بود که در چشم جهان ایجاد شد و بر زمین چکید.

زین بزم رشید یاسمی رفت      یا از دل خلق خرمی رفت  
آن دیده صدق و دوستی خفت      وان چشمه مهر و مردمی رفت  
پژمان پی نظم سالماهش      دل خسته به بحرغم همی رفت  
سر کرد برون ز بزم و گفتا      از بزم رشید یاسمی رفت  
(پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۴۶۵-۴۶۶)

### ۳.۲.۱۳. حبیب یغمایی

حبیب یغمایی، شاعر، پژوهشگر و روزنامه‌نگار معاصر، فرزند حاج میرزا اسدالله منتخب‌السادات آل‌داود خوری و مادرش فاطمه دخترزاده احمد صفایی دومین فرزند یغمای جندقی بود. «منتخب‌السادات پدر یغمایی مردی شاعر، نویسنده، خوش‌خط و اهل مطالعه بود. مادرش فاطمه نیز زنی فاضل و مخصوصاً در شناخت گیاهان دارویی

و خواص هر یک و طرز معالجه بیماران مهارت داشت و خیلی از مواقع با همین آموخته‌ها به مداوای بیماران می‌پرداخت» (آل‌داود، ۱۳۸۵: ۲۰). حبیب‌یغمایی در مورد وقایع زندگی خود می‌نویسد: سال ۱۳۰۰ به تهران آمدم. نخست به مدرسه آلیانس رفتم و بعد دارالمعلمین عالی را به پایان رساندم. در ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ رئیس معارف و اوقاف سمنان بودم و از آن پس در مدارس عالی‌ه آن عصر در تهران و بعدها در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات فارسی تدریس کردم. از سال ۱۳۱۲ با مرحوم محمدعلی فروغی در تالیف و تصحیح کتب همکاری جستم و بعد از مرگ وی مدیر کل نگارش، وزارت فرهنگ شدم و چندی هم مدیر کل فرهنگ ایالت کرمان بودم (همان: ۵۴-۵۵). پژمان‌بختیاری در عرض شکران خود در مقدمه کویراندیشه درباره حبیب‌یغمایی می‌نویسد: «سومین بزرگواری که با درج اشعار و نوشته‌های حقیر در مجله ارزشمند خویش مرا تا حدی که شایستگی داشتم شهرت بخشید استاد عزیز و سرور و مولای بنده جناب آقای حبیب‌یغمایی مدیر و نظم دهنده مجله کم نظیر یغماست که خدایش بسلامت و سایه‌اش را برسر امثال حقیر مستدام بدارد» (پژمان‌بختیاری، ۱۳۴۹: پیشگفتار، یط). پژمان‌بختیاری، حبیب‌یغمایی را استاد و سرور و مولا خطاب می‌کند که نشان می‌دهد، آشنایی و دوستی این دونفر به گذشته‌های دور برمی‌گردد و این دوستی به گونه‌ای است که وقتی پژمان‌بختیاری در مجله یغما شکوائیه بلندی از حبیب‌یغمایی را می‌خواند، بسیار ناراحت می‌شود و برای دوست و استادش شعری را با عنوان «پیامی به حبیب» می‌سراید و برای او ارسال می‌کند که این موضوع در دیوان پژمان‌بختیاری ذکر شده‌است. پژمان‌بختیاری می‌نویسد: «در نخستین شماره بیستمین سال مجله پرارزش و عزیز الوجود یغما مثنوی شکواییه بسیار بلندی از استاد حبیب یغمایی مندرج و چهلمین بیت آن این بود.

بدین شوربختی امیدم نماند      که توش تن و تاب دیدم نماند

مطالعه النفته مصدور به حدی در روحیه حقیر موثر افتاد. بی اختیار قلم برداشته خشک و تری به هم بافتم که آن از نظر ادب دوستان می‌گذرد.

گرامی حبیب، سخن پرورا سرفراز مردا، بلند اخترا مکن از ادب ناشناسان گله که گسترده باید تو را حوصله متاع تو کالای بازار نیست مخورغم گر آن را خریدار نیست» (پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۲۱۵-۲۱۷)

او در این شعر ضمن ستایش حبیب او را چون ماه سبب روشنایی جهان ادب می‌داند و از می‌خواهد تا از ادب ناشناسان نرنجد و پرحوصله باشد. حبیب یغمایی خود نیز در مجله یغما بعد از فوت پژمان بختیاری این موضوع را مطرح می‌کند و می‌نویسد: پژمان عزیز از جهان رفت چه دشوار و سخت است دوستی صدیق و نجیب و با وفا لطیفه‌گوی و مهربان، آزاده، با دانش، با محبت و درویش خوی را از دست دادن و بر مرگش تا قیامت گریستن. شاید دوستان نزدیک و دور به یاد داشته باشند در بیستمین سال مجله یغما مثنوی به بحر مقارب گفته بودم پژمان در تشویق من به همان روش مثنوی فرموده است که از بهترین آثار ادبی این زبان است (یغمایی، ۱۳۵۳: ۶۱۶-۶۱۷).

#### ۴. نتیجه گیری

حسین پژمان بختیاری، شاعر، مترجم و محقق برجسته معاصر که بیشتر شاعران، نویسندگان و ادیبان برجسته معاصر ایران با او دوستی و مراوده داشته‌اند که از دوستان او می‌توان: ادیب نیشابوری، استاد فروزانفر، شیخ رئیس محمدهاشم میرزا، احمد دهقان، بهمنیار کرمانی، ملک الشعرای بهار، جلال‌الدین همایی، نیمایوشیج، وحید دستگردی، امیرفیروزکوهی، استادشهریار، حبیب یغمایی، مهدی اخوان ثالث، حمیدی شیرازی، مهدی سهیلی، نادر نادرپور و انجوی شیرازی را نام می‌برد. حضور حسین پژمان بختیاری در انجمن‌های ادبی، همکاری با مجلات و حضور در دفتر مجلات همچون فعالیت و همکاری او با مجلات ارمغان، یغما، سخن، وحید، گوهر و تعدادی مجله دیگر نیز سبب آشنایی او با شاعران، نویسندگان و ادیبان برجسته معاصر

شده است. اگر بخواهیم این آشنایی، دوستی و مراوده پژمان بختیاری با شاعران، نویسندگان و ادیبان برجسته هم عصرش که نام تعدادی از آن‌ها در دیوان اشعار او ذکر شده و گروه دیگر نام آن‌ها در اسناد زندگی او ذکر شده است را دسته‌بندی کنیم، می‌توانیم این مناسبات را به دو دسته خانوادگی و فرهنگی تقسیم‌بندی کنیم. در این تقسیم‌بندی، در دسته خانوادگی، جعفرقلی خان سرداراسعد و در دسته فرهنگی، حبیب یغمایی، مرحوم ملک‌الشعراى بهار، وحید دستگردی، رشید یاسمی، قمرالملوک‌وزیری، بدیع‌الزمان فروزانفر، کریم‌امیری فیروزکوهی، مهدی سهیلی، سیدمحمدحسین شهریار، محمود فرخ، سیمین بهبهانی و جمشید امیربختیاری را می‌توان نام برد، که در دیوان اشعار و اسناد زندگی پژمان بختیاری می‌توان نام این ادیبان را مشاهده کرد.

### منابع

- اسدی فیروزآبادی، مریم السادات. (۱۳۹۴). «اصالت احساس در دیوان پژمان بختیاری». *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*. سال سیزدهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص: ۲۵-۳۶. (DOI: ۱۰.۲۲۱۱۱/JLLR.۲۰۱۵.۲۱۱۸).
- افشار، ایرج. (۱۳۹۲). *خاطرات سرداراسعد بختیاری (جعفرقلی خان سرداربهار)*. تهران: اساطیر.
- امیربختیار، جمشید (۱۳۹۶/۱۰/۱۷) [fa.wikifeqh.ir](http://fa.wikifeqh.ir)
- امیری فیروزکوهی، کریم. (۱۳۶۹). *دیوان*. بکوشش امیربانوی امیری فیروزکوهی. تهران: سخن.
- آل‌داود، سیدعلی. (۱۳۸۵). *ارج‌نامه حبیب یغمایی*. تهران: میراث مکتوب.
- بامداد، بدرالملوک. [fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org) ۱۴۰۳/۰۸/۲۳
- بهرامی دشتکی، رضا. (۱۳۹۴). *زندگی و اشعار پژمان بختیاری*؛ محقق، مترجم و شاعر بزرگ معاصر. تهران: سامان دانش.
- پژمان بختیاری، حسین. (۱۳۴۹). *کویران‌دیشه*. تهران: ابن سینا
- پژمان بختیاری، حسین. (۱۳۶۸). *دیوان پژمان بختیاری*. تهران: پارسا.



- پژمان بختیاری، حسین. (۱۳۷۲). *کویرانندیشه*. تهران: پارسا.
- پوروهاب، محمود. (۱۳۹۱). *ملک الشعراى بهار*. تهران: موسسه فرهنگى مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- جلیل‌پیران، اسماعیل؛ صفری، جهانگیر. (۱۴۰۱). «باورهای مذهبی در شعر پژمان بختیاری». *پژوهشنامه بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی*. دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص: ۳۷-۴۸. ([https://bsriit.sku.ac.ir/article\\_۱۱۵۴۳.html](https://bsriit.sku.ac.ir/article_۱۱۵۴۳.html)).
- خلیلی، مرجان. قمرالملوک وزیری. ۱۴۰۱/۷/۲۸. [iranmusicology.com](http://iranmusicology.com)
- دستگردی، وحید. ۱۴۰۳/۸/۱۷. [fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org)
- زمانی‌پور، بابک. (۱۳۸۲). *پژمان نامه (۱) تاریخ و فرهنگ چهارمحال بختیاری در آثار حسین پژمان بختیاری*. شهرکرد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زمانی‌پور، بابک. (۱۳۸۲). *پژمان نامه (۲) حسین پژمان بختیاری به روایت دیگران*. شهرکرد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سهیلی، مهدی. (۱۴۰۳/۰۸/۲۶). [fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org)
- صیدی، جهان‌بخش. (۱۳۹۰). «فرهنگ تشبیه در دیوان پژمان بختیاری». وزارت علوم تحقیقات و فناوری. دانشگاه پیام نور. تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- علی‌زاده، جمشید. (۱۳۷۹). *گفتگو با شهریار*. تهران: نگاه.
- عزیززاده‌گل‌سفیدی، مصطفی. (۱۳۸۸). *سردار اسعد بختیاری*. اصفهان: سروچمان.
- فرخ، محمود. (۱۳۵۳). *پژمان بختیاری*. مجله نیما، سال ۳۷، دی ۱۳۵۳، شماره ۱۰، صص: ۶۱۶-۶۱۷.
- فرخ، محمود. (۱۴۰۳/۰۸/۲۶). [fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org)
- کیهان بختیار، بهمن. (۱۳۸۵). *خانواده اسعد از دیدگاه شاعر پژمان بختیاری*. نشریه اینترنتی لور، ویژه نامه سردار اسعد، ۲ آبان ۱۳۸۵.
- محمد حسینی، محسن. (۱۴۰۰). «بررسی شکوائیه در دیوان پژمان بختیاری». دانشگاه پیام نور. یزد: مهریز. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*.

- مهدوی، ملیحه. (۱۳۹۹). «انجمن‌های ادبی». مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- میرحسینی، مژگان. (۱۳۹۷). «ملک‌الشعراى بهار در آیینى اندوه یادها». فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، سال ۱۲، شماره ۴، تابستان ۹۷. [https://www.farhangekhorasan.ir/article\\_۸۷۶۶۷.html](https://www.farhangekhorasan.ir/article_۸۷۶۶۷.html)
- نادرپور، نادر. (۱۳۵۳). «به یاد پژمان». مجله سخن، دوره ۲۴، شماره ۲۷۴، آذر ۱۳۵۳، صص ۱۱۰-۱۱۲.
- نیکخواه، مظاهر؛ محمدخانی، فرامرز؛ خسروی، حسین. (۱۳۹۹). «بررسی غزلیات حسین پژمان بختیاری». ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال سیزدهم، شماره دهم، پیاپی ۵۶، دی ۱۳۹۹، صص: ۵۷-۷۸. <https://bahareadab.com/article>
- هاشمی، نسیم. (۱۳۹۷). «سبک‌شناسی اشعار حسین پژمان بختیاری». دانشگاه پیام نور. همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). «ملک‌الشعراى بهار». تهران: دانشگاه تهران. ضمیمه جزوه نهم جلد پنجم.
- یاسمی، رشید. (۱۳۶۲). دیوان. تهران: امیرکبیر.
- یغمایی، حبیب. (۱۳۵۳). «پژمان بختیاری». مجله یغما، سال ۳۷، شماره ۱۰، دی ۱۳۵۳، صص ۶۱۶-۶۱۷.